

نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۸

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبدالعلی رضایی^P

چکیده

پیوست فرهنگی مفهوم جدیدی است که به دنبال واژگان راهبردی «مهندسی فرهنگ»، «مهندسی فرهنگی» و «مدیریت فرهنگی» مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۶/۹/۱۷ طرح کرده و علاوه بر اینکه دستور کار مراکز عمده سیاستگذاری قرار گرفته، اذهان بسیاری از پژوهشگران مراکز علمی و تحقیقاتی را به خود معطوف کرده است. سؤال اساسی این است که اجرای پیوست فرهنگی، فرهنگ عمومی کشور اسلامی را تا چه اندازه متحول می‌کند؟ پیوست فرهنگی مدیریت راهبردی کشور را با مدیریت اجرایی پیوند می‌دهد. در واقع از این پس بدون این ابزار هیچ یک از زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور قابلیت اجرایی نخواهند یافت. تحلیل ضرورت‌های پیوست فرهنگی از منظری جامعه‌شناختی از یک سو و تبیین مدل مفهومی پیوست فرهنگی از سوی دیگر، به عنوان ابعاد «چرایی» و «چیزیستی»، محورهای موضوعی مقاله حاضر را شکل می‌دهند.

کلید واژه‌ها

تهدیدها و فرصت‌ها، ضرورت‌های موضوعی، رهبری و مدیریت فرهنگی، مهندسی فرهنگی، پیوست فرهنگی.

^P عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی و مسئول کمیته فرهنگ عمومی کمیسیون جوزوی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

مقدمه

هر جامعه‌ای در روند رو به رشد خود در جهت تأمین نیازها به تمام اجزای توسعه توجه دارد. توسعه‌ای که در فرهنگ دینی ما از آن یاد می‌شود شامل توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی است. هرگاه از توسعه در یک جامعه نام برده شود آنچه به ذهن متبادر می‌شود توسعه در بخش‌های عمرانی و اقتصادی و حداکثر سیاسی است و مقوله فرهنگ مورد غفلت قرار می‌گیرد.

در نگاه توسعه‌ای به کشور ما، بعد از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، رویارویی فرهنگ ایرانی - اسلامی با فرهنگ سکولار غرب، تضادهای زیادی را در فرهنگ عمومی کشور به وجود آورده و همواره خلأ تدوین تئوری توسعه پایدار با محوریت فرهنگ دینی مشهود است.

فرهنگ از زیربنایی‌ترین بخش‌های هر جامعه است. فرهنگ واسطه تمدن و اندیشه در جوامع بشری است به طوری که اندیشه زیربنای فرهنگ و فرهنگ زیربنای تمدن است. فرهنگ هر جامعه‌ای از اندیشه و نیروی تفکر آن مدد گرفته و به تمدن به عنوان روبنای خود مدد می‌رساند. البته این سخن به این معنا نیست که رابطه میان اندیشه و فرهنگ رابطه‌ای یک سویه است، هر چند در تحلیل نهایی اندیشه است که خصلت تعیین‌کنندگی دارد. به هر حال رابطه‌ای دوسویه بین فرهنگ و اندیشه وجود دارد و این دو از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. همین جایگاه واسطه‌ای فرهنگ نشان از اهمیت این پدیده در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. دقیقاً به دلیل چنین جایگاهی در دنیای کنونی مسائلی مانند مدیریت فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی اهمیت زیادی پیدا کرده است.

مهندسی فرهنگی به معنای تنظیم بهینه روابط بین ابعاد، عناصر و مؤلفه‌های گوناگون فرهنگ است. ایده مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی در هندسه اندیشه متفکران بزرگ به فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری خصلتی ویژه می‌بخشد. به عبارت دیگر، بخش عمده‌ای از

تفاوت‌های میان جوامع بشری به نوع مهندسی فرهنگی آنها برمی‌گردد. اما پیوست فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی حامل پیام ویژه‌ای برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی است.

چشم‌انداز توسعه پایدار، مبتنی بر فرهنگ دینی با قابلیت‌های بسیار بالای آن، ایجاد می‌کند که از هم اکنون، برنامه توسعه متوازن و همه‌جانبه اجتماعی با محوریت فرهنگ در طرح‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت مورد توجه مسئولان سطوح مختلف نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار گیرد.

عدم توجه به روند متناسب‌سازی فعالیت‌های جاری در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور، با هدف محوریت بخشیدن به فرهنگ دینی، باعث رشد نامتوازن و از دست رفتن زمان، به عنوان مهم‌ترین سرمایه غیرقابل برگشت، برای جبران نابسامانی‌ها خواهد بود. با توجه به قابلیت‌های کشور ایران، به عنوان یک کشور دین‌محور، قبل از ظهور نابسامانی و بحران‌های ناشی از رشد نامتوازن، انجام مطالعات در این زمینه ضروری است. طرح مطالعات پیوست فرهنگی در راستای هماهنگی توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با محوریت فرهنگ غنی اسلامی است.

تجربه اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای مختلف جهان خصوصاً کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که عدم توجه به ابعاد رابطه صحیح بین قطب‌های توسعه با فرهنگ، علاوه بر آنکه میزان کمی و کیفی رشد ملی را محدود می‌سازد، در بلندمدت به دلیل توسعه نامتوازن باعث ایجاد عوارض منفی و بحران‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود.

با درک صحیح از مسائل توسعه می‌توان با اقداماتی آگاهانه در مرحله نخست از خسارات احتمالی جلوگیری و در مرحله دوم راهبردهای سازگار و برخاسته از فرهنگ خودی را طراحی و در برنامه توسعه ساری و جاری کرد.

کشورهای در حال توسعه اغلب مراحل اولیه جهش به سوی توسعه را با تحرک شدید

۶۴ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

اقتصادی شروع می‌کنند و به همین دلیل، عمده توجه مسئولان به هدایت‌های کاربردی با گرایش اقتصادی صرف معطوف شود. این امر کاملاً طبیعی است زیرا شدت تغییرات و جهش‌های توسعه به قدری سریع است که در مراحل اولیه، فرصتی برای مطالعات بلندمدت برای شناسایی تحولات آتی باقی نمی‌ماند. اما پس از مدت زمانی که از اجرای طرح‌ها می‌گذرد ضرورت شناخت تحولات ناشی از آثار و پیامدهای توسعه خود را می‌نمایاند. در چشم انداز ۲۰ ساله کشور که پس از قریب به ۲ دهه در ایران تنظیم شده است می‌خوانیم: «توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». (سند چشم‌انداز)

به همین دلیل نظام جمهوری اسلامی با اجرای طرح‌های جهش و تحرک شدید اقتصادی در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف از جمله صنایع نفت و گاز، ICT، انرژی هسته‌ای، آموزش، کشاورزی، پزشکی و... از رشد و توسعه بسیار بالایی برخوردار شده است. لذا شناسایی تحولات آتی و محورهای تغییرات عمده‌ای که اجرای این طرح‌ها در منطقه و جهان ایجاد خواهد کرد، در این مقطع زمانی، کاملاً ضروری است. بدین ترتیب هدف نهایی طرح پیوست فرهنگی، امکان مدیریت بر تحولات آتی منطقه در راستای تحقق اهداف استراتژیک توسعه فرهنگی آن است.

تحلیل خاستگاه پیوست فرهنگی

در چند دهه اخیر که مهندسی اجتماعی ملت‌ها حتی به سطوح میانی دانشگاه‌ها رسوخ کرده است و موضوعات آن به عنوان واحد درسی نیز ارائه می‌شود، این تلقی که فرهنگ‌ها قابل مدیریت و بهینه شدن در سمت و سوی خاصی نیستند، کم‌کم در حال منزوی شدن است. در روزگاران گذشته اندیشمندان علم حکومت‌داری در مقابل این سؤال پاسخ‌چندانی نداشتند و یا حداقل پاسخ ماندگار و کارگشایی ارائه نمی‌دادند. البته حاکمان و صاحبان

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۶۵

قدرت - مثل تفکر همیشه قدرت‌طلب یهود - هیچ‌گاه از تحمیل خواسته‌های خود به جوامع بشری کوتاه نیامده‌اند و دستاوردهایشان تا حد زیادی برای افراد جویای آن قابل رصد است.

«فرهنگ» به مثابه بعدی از جامعه که سازنده محیط زیست «انسانی» است^۱، موضوع اصلی این مناقشه است. حتی در غرب جدید که تمایل بسیار زیادی به تصرف در جهان وجود دارد، نظریات رایج به سادگی قابل کنترل بودن اخلاق، رفتار و اعتقادات مردم را نمی‌پذیرد و یا الگویی برای آن ارائه نمی‌دهد.

اما فرهنگ اسلامی نخست به خاطر عقبه بسیار پرمشقتی که از ناحیه حاکمان ظالم و زورگوی ممالک اسلامی به ملل مسلمان تحمیل شده است، و ثانیاً به خاطر اعتقادات و احکام به وضوح فرهنگی اسلام قابل هدایت بودن فرهنگ را به روشنی باور دارد. تجربه سی ساله انقلاب اسلامی ایران، با تمام ضعف‌ها و قوت‌هایش، نماینده تجربه‌ای منحصر به فرد در مدیریت راهبردی فرهنگ‌محور در دنیای معاصر است و تجربیات بسیار مفیدی را برای استفاده جهانیان به ارمغان آورده است.

مسیر طی شده تا تحقق مدیریت راهبردی فرهنگی کشور پهناور ایران تاکنون شکلی منطقی را طی کرده است و اخیراً، مفهوم جدیدتری به عنوان پیوست فرهنگی، نیز به آن اضافه شده است.

برای بررسی خاستگاه پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری جدید در مدیریت فرهنگی حداقل باید به دو موضوع توجه کرد:

- تهدیدها و فرصت‌های فرهنگی، که در برابر نظام اسلامی وجود داشته است و یا خواهد داشت.

- تجربه ای که مدیریت و رهبری کشور برای عبور از این مشکلات تاکنون به کار بسته است.

۱. مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۹/۲۶.

تهدیدها و فرصتها

الف) تهدیدات

- در حال حاضر و در آینده، به دلیل فقدان ابزاری با کارکردهای متصور برای پیوست فرهنگی، نظام مقدس جمهوری اسلامی با تهدیدات عمده زیر روبروست:
- توسعه نامتوازن و تخریب بنیانها و مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی.
 - آسیب‌پذیری جدی در مقابل تعاملات و تهاجمات سنگین سایر فرهنگ‌ها، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
 - در حد شعار باقی ماندن هدف‌گذاری‌های کلان فرهنگی و عدم دستیابی به چشم انداز مطلوب بر اساس آرمان‌های فرهنگی نظام مقدس اسلامی.
 - فراگیر شدن و شیوع تضادهای اجتماعی و مخرب، بحران هویت و ابعاد نامطلوب و نگران‌کننده آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و امنیتی.
 - عدم بهره‌وری و ناکارآمدی ابعاد در حال توسعه کشور به دلیل ناهماهنگی با سازه‌های اجتماعی و فرهنگی.
 - تحمیل هزینه‌های سنگین در خصوص ترمیم و اصلاح مسیرهای توسعه‌ای طی شده در درازمدت جهت افزایش بهره‌وری و کارآمدی.
- و ...

ب) فرصتها

- در کنار تهدیدات موجود می‌توان با ایجاد ابزارهایی همچون پیوست فرهنگی در مدیریت راهبردی کشور تهدیدات را تبدیل به فرصت کرد:
- پیوست فرهنگی فرصتی قابل توجه برای طراحی و مدیریت توسعه متوازن در اختیار می‌گذارد.
 - پیوست فرهنگی فرصتی واقعی برای جاری ساختن سیاست‌های کلان فرهنگی در

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۶۷

موضوعات و ابعاد مختلف و تحقق آرمان‌های نظام اسلامی در اختیار مدیریت کشور می‌گذارد.

- پیوست فرهنگی، به عنوان ابزاری کلیدی و راهگشا، می‌تواند فرصت و زمینه ایجاد مصونیت فرهنگی و تقویت هویت ملی را در اختیار بگذارد.

- پیوست فرهنگی فرصتی تازه و آزمایشگاه فوق‌العاده‌ای است برای آزمون و خطاهای مورد نیاز در طراحی و تدوین و ترسیم دقیق مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور.

- پیوست فرهنگی فرصتی مغتنم برای ایجاد تعادل اجتماعی در ابعاد اقتصاد، فرهنگ و سیاست محسوب می‌شود و به همین دلیل می‌تواند نقش عمده‌ای در افزایش بهره‌وری در کشور ایفا کند.

- و...

سی سال تجربه رهبری فرهنگی

«بالاترین مقام یا مسئول هر سازمان یا کشور، وظیفه مدیریت راهبردی آن مجموعه را بر عهده دارد.» (دیوید فردآر، ۱۳۸۲) «مدیریت راهبردی کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی بر عهده ولی فقیه زمان است.» (قانون اساسی) «مدیریت راهبردی کشورها بر اساس آنکه «هدف اصلی» آن کشور چه نوعی است و بر چه تأکید دارد از نوع و جنس آن اهداف خواهد بود. کشورهایی که بر اهداف اقتصادی تأکید کامل دارند و این اهداف را به عنوان اهداف اصلی مورد توجه قرار می‌دهند، باید مدیریت راهبردی اقتصادی اعمال نمایند. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه بر بستر انقلاب اسلامی شکل گرفته است، اهداف اصلی، اهداف فرهنگی می‌باشد، بنابراین مدیریت راهبردی در کشور، مدیریت راهبردی فرهنگی است.» (در محضر ولایت، ۱۳۸۶)

«پیوست فرهنگی» را می‌توان گامی تازه در مقام مدیریت راهبردی فرهنگی جامعه دانست. کمی توجه در مناسبات سه دهه حیات پربرکت نظام مقدس اسلامی نیز نشان می‌دهد که آنچه امروز به عنوان پیوست فرهنگی مطرح شده است چیست و تا چه حد به موقع و بجا

مطرح شده است.

برای شروع بررسی سیر تحول فرهنگی کشور حتماً انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و مقلّمات آن را باید نقطه عطف شروع این تحول دانست. باید گفت این انقلاب اسلامی بود که باعث شد دغدغه‌های روزمرگی به نگاهی عمیق‌تر و کلان‌نگرتر در جامعه مبدل شود. ماهیت مذهبی و رهبران به وضوح فرهنگی این نهضت، حامل این پیام بودند که خواسته‌های این حرکت فرهنگی است. این حرکت با پیام‌های روشن فرهنگی پیروز شد و توانست بیش از ۹۸٪ آراء انقلابیون را با خود همراه کند. از مهم‌ترین پیام‌های رأی ملت تقاضای کشوری فرهنگ محور بود.

اشغال لانه جاسوسی آمریکا و سپس تعطیل شدن دانشگاه‌ها برای اسلامی شدن علوم دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ و حمایت عمومی از آن نشان‌دهنده این نکته بود که این مسیر آگاهانه انتخاب شده است و لحظه به لحظه شفاف‌تر و راهبردی‌تر نیز می‌شود. لذا در سال ۱۳۵۹، ستاد انقلاب فرهنگی با حکم حضرت امام (ره) شروع به فعالیت کرد و مأموریت اصلی آن نیز اصلاح نظام آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور بود. بر این اساس کلیت جریان انقلاب فرهنگی در مسئله دانشگاه‌ها منحصر شد، شاید با این تصور که بقیه امور فرهنگی بدون نیاز به تصمیم‌گیری در ستاد مرکزی نیز قابل مدیریت هستند. ریشه این امر را می‌توان در نگاه بسیطی که در آن زمان به فرهنگ وجود داشت، تحلیل کرد.

در سال ۱۳۶۳، با حکمی از سوی امام (ره) شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت: «کسانی که این مجموعه را در ابتدا در قالب ستاد عالی انقلاب فرهنگی ایجاد کردند و بعد به صورت تکامل یافته‌تر با عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه یافت... باورشان بر این بوده است که مسائل فرهنگی کشور مسائل مهمی است که نه با قانون اساسی و نه در سیاست‌های کلی که در مجمع تشخیص مصلحت تنظیم می‌شود، نه با قانونگذاری در مجلس و اجرا در دولت و سیاست‌های اجرایی در وزارتخانه‌ها، این نیاز تأمین نمی‌شود... شورا نقش دیگری دارد و حضور هر یک از دستگاه‌ها و رؤسای سازمان‌های فرهنگی در این شورا

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۶۹

به دلیل همان نقش است.... سیاست‌های کلی (که در مجمع تهیه می‌شود) کلیات است. آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی تحقق پیدا می‌کند فراتر از مسئله کلیات است؛ نگاه به واقعیت‌ها، اجرا و به دستگاه‌ها دارد. خود مجری نیست اما فرمان عمومی و کلان اجرای فرهنگی در کشور در دست شورا است، جایگاه شورا این است.» (ناظمی، ۱۳۸۴: ۲)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) از آغازین روزهای سکانداری نظام اسلامی به مسئله تهاجم فرهنگی دشمن توجه ویژه‌ای نشان دادند و مسئله تهاجم فرهنگی در دوران زعامت ایشان، به دلیل پایان یافتن جنگ نظامی ۸ ساله و آغاز جنگ فرهنگی غرب علیه ایران شکل و شمایل جدیدی به خود گرفت. در سال ۱۳۷۵، حکم مقام معظم رهبری در تقویت شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر شد و ایشان ضمن این پیام و سخنان بعدی خود مسئولیت «سازمانی» مقابله با تهاجم فرهنگی را متوجه این شورا دانستند. تا سال ۱۳۸۱ روند تثبیت شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه یافت تا این نهادی که از سال ۱۳۶۳ به عنوان ارگانی «واجب الطاعه» در جمهوری اسلامی ایران مطرح است به عنوان عقبه تصمیمات بنیادین فرهنگ تثبیت شود و بازوی شخص رهبر در راستای رهبری فرهنگی نظام قرار گیرد. در سال ۱۳۸۱ موضوع مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور را مطرح کردند. تاکنون، رهبری سعی بر رمزگشایی از مفهومی که فرمان آن را داده بودند داشتند. ایشان سخن از مدیریت فرهنگی می‌راندند و نقشه‌هایی با ماهیت فرهنگی را برای کشور درخواست می‌کردند: نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نقشه جامع علمی کشور و... که هر یک راهی بود که باید طی می‌شد تا بتوان به مهندسی اجتماعی کشور دست یافت.

البته ایشان همزمان با مدیریت سطوح بنیادین فرهنگ، به ایجاد سندهای سیاست‌گذاری کشور با محوریت فرهنگ نیز مشغول شدند و از سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تا اسناد چشم‌انداز ارگان‌ها، نهادها و سازمان‌ها و... همه و همه را از مسئولان کشور مطالبه می‌کردند. اما خود نسبت بین شورا و مجمع تشخیص مصلحت نظام را این‌گونه تبیین فرمودند: «سیاست‌های کلان (حوزه فعالیت مجمع تشخیص مصلحت نظام) چارچوبند، یک چارچوب

۷۰ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

کلی‌اند. که در این چارچوب کلان (حوزه فعالیت شورا) باید انجام گیرند، ما برای تصمیم‌گیری کلان جز اینجا (شورای عالی انقلاب فرهنگی) جایی نداریم.» (۱۳۸۶)

پس از طی این مراحل که نقشه‌ها لحظه به لحظه شفاف‌تر و کاربردی‌تر می‌شدند، نوبت آن بود که سازوکارهای مقنن و سازمانی برای مصوبات شورا تدوین شود: «... پس بایستی مصوباتش لازم‌الاجرا باشد. این همان دغدغه ما از اوایل کار بوده است... برای تحقق هرچه بیشتر لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورا، نیازمند ایجاد شیوه و قاعده هستیم. بایستی قانونی پیدا کنید، یا تصویب قانونی شود، یا بالاخره سازوکار این کار را پیدا کنید.» (همان)

پیوست فرهنگی با دو مشخصه پیشنهاد شده است:

۱. راهی برای اجرایی شدن مصوبات شورا

۲. خاصیت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی این است که چارچوبه‌های کلان فرهنگی را مدنظر دارد، پس پیوست فرهنگی واسطی بین نگاه کلان و نگاه خرد از منظر فرهنگ است!

«از جمله سازوکارهای لازم‌الاجرا کردن مصوبات این شورا، برای نمونه، پیش‌بینی چگونگی حضور شورای عالی در تنظیم برنامه پنج‌ساله است. به علاوه، در طرح‌های گوناگونی که در کشور تنظیم می‌شود، آقای رئیس‌جمهور هم اشاره کردند درست هم هست، طرح‌های اقتصادی، طرح‌های پولی و مالی و طرح‌های عمرانی حتماً یک پیوست فرهنگی مصوبه شورا داشته باشند. همه ملزم باشند که به پیوست فرهنگی توجه کنند و آن را لازم‌الاجرا بشمارند و مواردی از این قبیل را پیش‌بینی نمایند. بنابراین مسئله دوم، مسئله لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورا است. پذیرفتنی نیست که شورا (صحن عمومی و یا کمیسیون‌های تخصصی)، برای یک بخش یا برای یک صحنه عام که بخشی هم زیرمجموعه آن است، تصمیمی اتخاذ کند و آن بخش به کلی به آن مصوبه بی‌اعتنا باشد و کار خود را انجام دهد، نمی‌شود فلان وزارتخانه، سازمان و یا مرکز تبلیغی یا فرهنگی اساساً رای دیگری داشته باشد. باید راه‌حل مناسبی پیدا کرد. نظر قطعی من این است که مصوبات شورای عالی انقلاب

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۷۱

فرهنگی لازم‌الاجرا است. شما پیشنهاد بیاورید، بنشینید و فکر کنید. این موضوع برای ما اهمیت دارد.» (همان)

در طول مدت مطالعات مهندسی فرهنگی از سال ۸۱ تاکنون یکی از مسائلی که همواره مورد توجه ترویج فرهنگ هدف (فرهنگ مطلوب) بوده است. اما به طور معمول، از آنجایی که ترویج فرهنگ هدف پس از مهندسی آن قرار داشته است، به توصیفات کلی آن اکتفا شده است: «وقتی فرهنگ هدف در انواع و اجزای آن مهندسی و مشخص شد، باید محیط فرهنگی در سطح ملی، عمومی، بخشی و سازمانی بر این اساس شکل گیرد و این فرهنگ رواج پیدا کند. فرهنگ موجود تحول یابد و عناصر تعالی بخش آن تقویت و عناصر زوال‌آفرین آن کم‌رنگ و تضعیف شود.» (ناظمی، ۱۳۸۴: ۳۹)

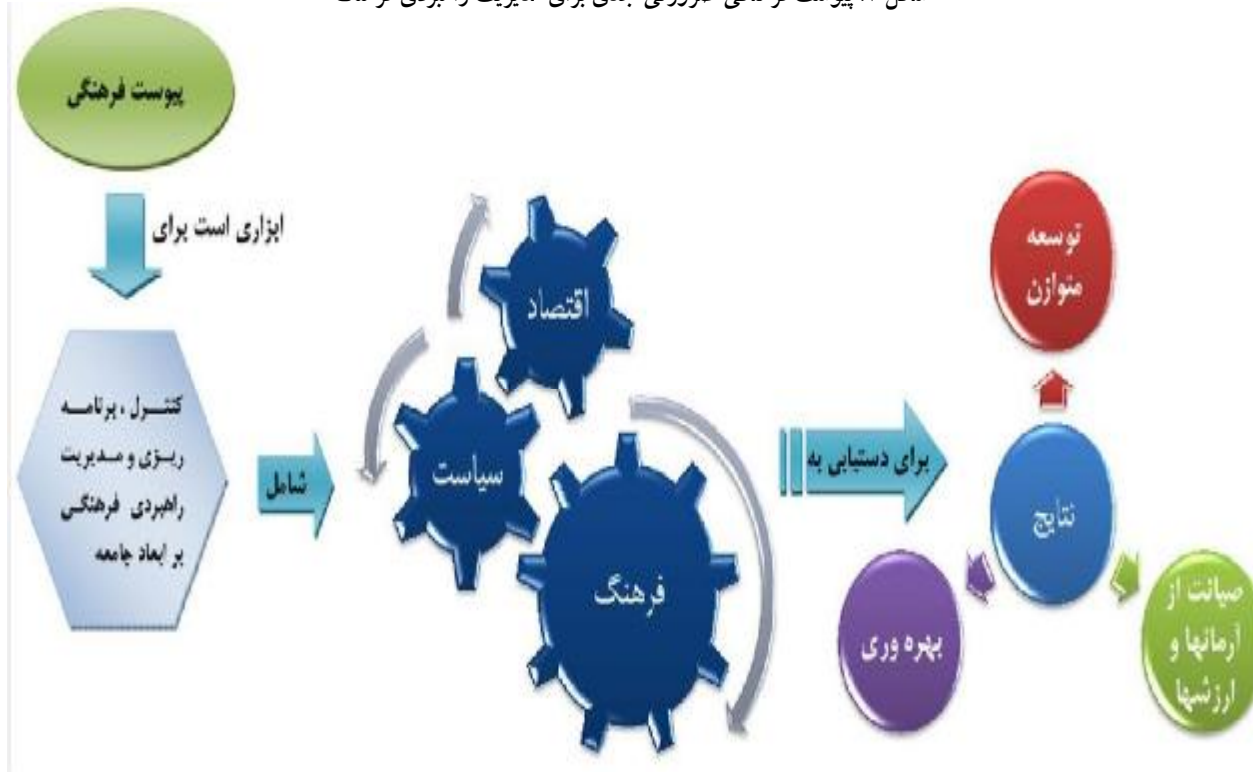
اما امروز که بیش از شش سال از زمان آغاز مطالعات مهندسی فرهنگی می‌گذرد، لازم است که طرح‌های روشن و شفاف در خصوص چگونگی ترویج فرهنگ هدف ارائه شود. طرح پیوست‌های فرهنگی از این دسته ابزارها هستند که از جمله کارکردهای اساسی آنها همین مسئله است. هنوز چگونگی تطبیق سندهای بالادستی فرهنگی طراحی نشده بود که معظم‌له در تاریخ ۸۶/۹/۱۷ دستور به شکل‌گیری سندهای پیوست فرهنگی برای تمام پروژه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دادند.

ضرورت‌های موضوعی پیوست فرهنگی

۱. جایگاه مفهومی

ضروری و لازم است نظام اسلامی ابزار یا ابزارهایی در اختیار داشته باشد که به کنترل و مدیریت راهبردی فرهنگی بر نقاط ربط و تعامل ارگانیک ابعاد اجتماعی یعنی اقتصاد، فرهنگ و سیاست بپردازد تا بتواند در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت، توازن و بهره‌وری لازم در مسیر توسعه و تعالی همه‌جانبه جامعه، حفظ و صیانت از ارزش‌ها و اصول نظام اسلامی را محقق سازد. پیوست فرهنگی می‌تواند یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین ابزارها در مدیریت تأثیرات و تأثرات بین فرهنگ و سایر ابعاد اجتماعی از قبیل سیاست و اقتصاد تلقی شود. (شکل ۱)

شکل ۱. پیوست فرهنگی ضرورتی جدی برای مدیریت راهبردی فرهنگ



۲. جایگاه کارکردی

در فضای تعاملات میان سیستم‌های اجتماعی «فرهنگ، سیاست و اقتصاد» تحقق برخی نسبت و تناسب‌ها ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد و نظام اسلامی تا حدود زیادی فاقد ابزارهای دقیق در این خصوص است. این کارکردها که ضرورت وجود ابزارهایی چون پیوست فرهنگی را اثبات می‌کنند عبارتند از:

- تعیین و تطبیق مصداقی تأثیرات و تأثرات ابعاد اجتماعی - فرهنگ، سیاست و اقتصاد - در مسائل و موضوعات مختلف. به عنوان مثال، ابزاری نیاز داریم تا به ما نشان دهد یک پروژه یا تصمیم خاص اقتصادی چه عوارض و تأثیرات فرهنگی و در چه ظرفی از مکان یا زمان به دنبال دارد. (کارکردی که بر اساس آن صرفاً تأثیرات و تأثرات نشان داده می‌شود)

- اندازه‌گیری و سنجش وضعیت و عوارض یک طرح، پروژه یا تصمیم با استانداردهای مشخص شده در اسناد و راهبردهای کلان نظام و احراز هم‌جهتی و همسویی آن با استانداردهای موجود در سایر ابعاد اجتماعی خصوصاً فرهنگ، پیش از اجرایی و عملیاتی شدن آن تصمیم یا طرح. مثلاً مشخص شود که نتایج و عوارض یک پروژه و تصمیم سیاسی آیا مطابق نقشه مهندسی فرهنگی کشور و شاخصه‌ها و معیارهای موجود در آن هست یا خیر؟ و آیا این تصمیم سیاسی اصولاً در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی نظام اسلامی قابل تعریف هست یا خیر؟ (کارکردی که بر اساس آن به سنجش و اندازه‌گیری و در نهایت کنترل پیش از اجرا پرداخته می‌شود).

- لازم است برای حذف و یا کاهش عوارض منفی و یا ایجاد یا تقویت کارآمدی و بهره‌وری در خود یک تصمیم یا طرح و پروژه و تأثیرات آن در سایر ابعاد اجتماعی، در نقطه‌ای مشخص از فرایندهای طراحی و اجرا تدبیرات لازم در قالبی مشخص و همراه با ضمانت اجرایی لازم ضمیمه شود. برای مثال لازم است در خصوص طرح عمرانی کلانی که تأثیرات مختلف فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی - امنیتی به دنبال دارد، در زمان مشخصی از مراحل طراحی و معماری و اجرا، پس از تحقق کارکردهایی که در بندهای پیش ذکر

۷۴ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

شد، تدابیر لازم‌الاجرا برای کاهش عوارض و یا افزایش بهره‌وری ضمیمه برنامه شود. (کارکردی که بر اساس آن تدابیر لازم در جهت کاهش عوارض و یا افزایش بهره‌وری ضمیمه فعالیت‌ها می‌شود)

- پس از اجرای یک تصمیم و پروژه لازم است صحت و کیفیت اجرا در خصوص تدابیر اندیشیده شده درباره کاهش عوارض منفی و افزایش بهره‌وری مورد بازمی‌اندیشی و بازخوردگیری قرار گیرد، تا میزان موفقیت از سویی و میزان تأثیرات منفی و یا بهره‌وری قابل رصد و اندازه‌گیری باشد. (کارکردی که بر اساس آن سنجش و اندازه‌گیری پس از اجرای فعالیت‌ها محقق می‌شود)

- بسیاری از فعالیت‌ها، تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی اقتصادی و سیاسی نظام در طول سه دهه از عمر انقلاب به اجرا گذاشته شده است. لازم است نسبت به اصلاح و بهینه‌سازی این فعالیت‌ها از حیث تأثیراتی که بر سایر ابعاد اجتماعی می‌گذارند و عوارض منفی‌ای که به دنبال داشته‌اند فرایندی، شامل بازشناسی عوارض و کارآمدی و ارائه تدبیرات ترمیمی، انجام گیرد. به عنوان مثال، برنامه‌ای اقتصادی یا فرهنگی مدتها در کشور اجرا می‌شود و تاکنون، هیچ توجهی به عوارض ثانوی آن در سایر ابعاد اجتماعی و نقش این عوارض در کاهش بهره‌وری نشده است. بنابراین لازم است پس از بررسی و سنجش برنامه در قالب و استانداردی مشخص به ارائه تدابیر ترمیمی در خصوص آن پرداخت. (کارکردی که بر اساس آن سنجش و اندازه‌گیری و تدابیر ترمیمی برای وضع موجود تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محقق می‌شود)

۳. جمع بندی ضرورت‌های موضوعی

به نظر می‌رسد در هر یک از ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌توان کارکردهای فوق را در قالب ابزاری به نام پیوست دنبال کرد، به طوری که پیوست فرهنگی کارکردهای فوق را در بعد فرهنگی هر تصمیم، طرح و یا پروژه محقق می‌سازد.

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۷۵

بدیهی است پیوست علاوه بر وجه تسمیه خویش که بیانگر ایفای نقش ابزاری آن در قالب ضمیمه‌ای معنادار برای شفاف‌سازی وضعیت تصمیم‌گیری و مدیریت و اجرای طرح‌ها و برنامه‌هاست، در دقتی مفهومی نشانگر پیوند و پیوستگی سیستمی و تعاملات غیرقابل چشم‌پوشی میان ابعاد مختلف اجتماعی نیز محسوب می‌شود. در واقع پیوست نقطه پیوند میان یک بعد از موضوع و مسئله را با سایر ابعاد توضیح داده و مطابق کارکردهای فوق می‌تواند بهترین ابزار برای استانداردسازی عوارض یک طرح و برنامه در چارچوب تدبیرات از پیش مشخص شده و همچنین سنجش کیفیت و کارآمدی و میزان توازن یک طرح و برنامه با سایر ابعاد اجتماعی تلقی شود.

با کمال تأسف، باید اذعان نمود تاکنون، ابزاری برای تحقق کارکردهای فوق در نظام اسلامی وجود نداشته و صرفاً ممکن است در موارد و مصادیق خاصی به صورت سلیقه‌ای و در قالب‌های غیرمنسجم و یا حتی ناکارآمد مورد توجه قرار گرفته باشند. چرا که حاکمیت دیدگاه‌های یک جانبه عملاً مسیر مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرا را در ابعاد گوناگون به سوی حذف چنین کارکردهای حیاتی برای نظام اسلامی سوق داده است. اگر بخواهیم تأثیراتی را نام ببریم که از ناحیه جبران این خلاء ابزاری جهت تحقق کارکردهای فوق متوجه کشور می‌شود، می‌توان ادعا کرد که پیوست فرهنگی موضوعیت می‌یابد تا:

۱. توازن لازم در مسیر توسعه و تعالی کشور میان انواع فعالیت‌ها و طرح و برنامه‌ها در ابعاد مختلف شکل بگیرد.

۲. بهره‌وری طرح‌ها و تصمیمات و برنامه‌ها با تزریق دیدگاه‌های سیستمی و ملاحظه ارتباطات میان ابعاد مختلف اجتماعی و تطبیق طرح‌ها و برنامه‌ها با نقشه مهندسی فرهنگی کشور محقق شود.

۳. از اهداف و راهبردهای کلان و اصول اعتقادی و ارزش‌های اجتماعی نظام مقدس اسلامی در طول برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مختلف صیانت شود.

ضرورت‌های پیرامونی

ضرورت‌های پیرامونی در واقع خلاء و نیازی است که در ابعاد مختلف اجتماعی در سطح برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی فرهنگ احساس می‌شود. صرف نظر از اینکه پیوست فرهنگی چیست و چه کارکردهایی دارد، کشور ما شاهد مشکلات مختلفی خصوصاً در مسیر توسعه بخش‌های مختلف است. مشکلاتی که پس از اجرای طرح‌ها، پروژه‌ها و حتی تصمیمات اجرایی در هریک از عرصه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست پدیدار گشته و مجموعه‌ای از نگرانی‌ها و ناکارآمدی‌ها را به دنبال می‌آورد. بخش گسترده‌ای از این مشکلات ناشی از عدم پیش‌بینی تناسب فرهنگی و عوارض مستقیم و غیرمستقیم طرح‌ها بر هنجارهای فرهنگی جامعه است. مثال‌های فراوانی وجود دارد که در این مجال گذرا به مرور برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. عرصه اقتصادی

برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی همواره در مقام اجرا مجموعه متنوعی از عوارض و تأثیرات فرهنگی اجتماعی را به دنبال دارد. مثال‌های زیر بیانگر برخی از این عوارض و تأثیرات پیرامونی هستند:

- تصمیمات اقتصادی در بخش مسکن و عوارض و تأثیرات آن در اموری مانند ازدواج و سلامت و بهداشت اخلاقی خانواده‌ها، سلامتی روانی جامعه و طیف گسترده‌ای از تأثیرات و عوارض هم می‌تواند شکل منفی به خود گرفته و هم می‌تواند به صورت مثبت تأثیرگذار شود.

- پروژه‌های صنعتی بزرگ و برنامه‌های توسعه مناطق آزاد و ویژه مانند کیش و قشم یا عسلویه - و عوارض تأثیرات فرهنگی آن.

- طرح‌های عمرانی مانند راه‌ها و بزرگراه‌ها، که می‌تواند وضعیت منطقه در مسیر آن را به کلی دگرگون سازد و برخی عوارض فرهنگی را نیز به دنبال داشته باشد. بدیهی است

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۷۷

در صورت پیش‌بینی این عوارض می‌توان با تدبیر و طراحی مکانیسم‌هایی از بروز آن جلوگیری کرد. همان‌طور که در خصوص بزرگراه تهران - شمال عوارض زیست محیطی، بخش عمده‌ای از نگرانی‌ها را به خود اختصاص داده، نگرانی در خصوص عوارض و تأثیرات فرهنگی این طرح بر کل کشور، تهران و مناطق روستایی مسیر نیز کمتر از آن نخواهد بود. می‌توان با برخی تدابیر و برنامه‌ها از این تأثیرات در مرحله اجرا کاست و حتی فرصت‌هایی فرهنگی را نیز ایجاد کرد.

۲. عرصه سیاسی

طرح‌ها، برنامه‌ها و تصمیمات سیاسی نیز همواره حجم قابل توجهی از تأثیرات و عوارض فرهنگی را به دنبال دارد. نمونه‌های زیر تنها گوشه‌ای از این تأثیرات را نشان می‌دهد.

- تغییر تقسیمات کشوری به عنوان یک تصمیم و برنامه سیاسی یکی از چالشی‌ترین و جدی‌ترین مثال‌هایی است که می‌توان در تعامل دو بعد اجتماعی سیاست و فرهنگ، طرح کرد. استان شدن یک منطقه، شهر شدن یک بخش، جداسازی بخشی از یک استان یا شهر و الحاق آن به استان یا شهری دیگر همان‌طور که منشاء بسیاری از تحولات اقتصادی سیاسی است، تأثیرات جدی و عمیق فرهنگی نیز به دنبال دارد. مطالعات فرهنگی در این خصوص و بررسی، پیش‌بینی و تدبیر عوارض و تأثیرات آن ضرورتی غیر قابل انکار است.
- رویکردهای سیاسی‌ای دولت‌های مختلف انتخاب می‌کنند و در کشور به اجرا گذاشته می‌شود، نمونه‌ای دیگر از عوامل تأثیرگذار بر عرصه فرهنگ است. بدیهی است دولتی که توسعه سیاسی را محور و حاکم بر مسیر توسعه کشور می‌داند و حتی تصمیمات فرهنگی را متناسب رویکرد سیاسی خود برمی‌گزیند، حجم قابل توجهی از عوارض و تأثیرات را متوجه فرهنگ جامعه می‌سازد. نگاه سیاسی دولت به فرهنگ، آن هم با رویکردهای مختلف، گستره‌ای از تعارضات و نابسامانی‌ها را در عرصه فرهنگ رقم می‌زند. مثلاً عدم نظارت و کنترل مؤثر بر آزادی‌های سیاسی به عنوان یک رویکرد در یکی از دولت‌های پیشین، منجر

۷۸ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

به نوعی از تنش‌ها، آشفتگی‌ها و هرج و مرج‌ها در سطوح اجتماعی منتهی به قضیه ۱۸ تیر شد و هزینه‌های متفاوت سیاسی و امنیتی را بر کشور تحمیل کرد که در این مورد شاید هزینه‌های فرهنگی ایجاد شده بسیار بیشتر باشد. عوارض و تأثیراتی که هرچند غیرملموس و پنهان اما عمیق‌تر و ماندگارتر از عوارض سیاسی و امنیتی هستند.

۳. عرصه فرهنگی

برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های فرهنگی نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم مجموعه‌ای از تأثیرات و عوارض مثبت و منفی را به دنبال دارند. مثال‌های زیر می‌تواند نمونه‌هایی از این دست تلقی شود.

- توسعه فضاهای دانشگاهی در مناطقی که بافت فرهنگی خاصی داشته و عوارض رفت و آمد دانشجویان با فرهنگ‌های متفاوت در آن مناطق مانند ایجاد شعب دانشگاه آزاد در شهرستانهای کوچک.

- توسعه مناطق تفریحی و گردشگری بدون پیش‌بینی و در نظر گرفتن تدابیر لازم برای همسویی این مراکز با اهداف کلان فرهنگی نظام و شاخصه‌های ارزشی فرهنگ ایرانی اسلامی.

- برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های فرهنگی فاقد هدف‌گذاری‌های هم‌جهت با برنامه‌های فرهنگی کلان نظام و همچنین عدم تطبیق آنها با شاخصه‌ها و استانداردهای بومی و دینی، منشاء تأثیرات تخریبی عمیقی بر پیکره فرهنگ عمومی می‌شود. از پیامدهای قابل اشاره آنها، برجسته‌سازی نمادها و نشانه‌ها و الگوهای غیرمنطبق با فرهنگ هدف است.

پیوست فرهنگی چیست؟

چیستی پیوست فرهنگی را در چهار محور بررسی می‌کنیم:

۱. نسبت مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی با پیوست فرهنگی

۲. تعریف پیوست فرهنگی چیست؟

۳. گستره پیوست فرهنگی

۴. نتایج حاصل از تدوین و اجرای پیوست فرهنگی

۱. نسبت مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی با پیوست فرهنگی

گرچه هنوز تعریف دقیق، جامع و مانع و به اجماع رسیده‌ای از پیوست فرهنگی ارائه نشده است، اما لازم است که یک‌بار به طور شفاف نگاهی توصیفی به نسبت بین مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی و سپس پیوست فرهنگی داشته باشیم. برای این منظور سه مفهوم مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی را از تعاریف پذیرفته شده در شورا اخذ می‌کنیم و با آنچه در اینجا با عنوان پیوست فرهنگی مطرح شده است مقایسه می‌کنیم.

الف) مهندسی فرهنگ

مفهوم مهندسی فرهنگ به بیان مقام معظم رهبری عبارت است از:

«... از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است، یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و سیورورت‌بخش و کیفیت‌بخشی که فرهنگ نامیده می‌شود و درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید، چگونه باید باشد. اشکالات و نواقص چیست؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ (در محضر ولایت، ۱۳۸۳) بنابراین، در مهندسی فرهنگ کانون توجه فرهنگ جامعه است و هدف از آن شناخت عمیق اجزاء، عناصر و روابط بین آنها و بازطراحی و ساخت‌دهی مجدد بر اساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار از آن با توجه به مجموعه مقتضیات (قابل مدیریت) و شرایط (نسبتاً ثابت) است.» (همان: ۲۸)

ب) مهندسی فرهنگی

به عبارت دیگر، هدف مهندسی فرهنگی کشور برقراری انسجام محتوایی (باورها و

۸۰ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

ارزش‌های هنجار) بین سیستم‌های فرعی یک جامعه و باورها و ارزش‌های حاکم بر نظام فرهنگی جامعه است. بنابراین مهندسی فرهنگی عبارت است از فرایند بازطراحی وحدت‌بخش هدفمند بین نظام فرهنگی مهندسی شده با سایر نظام‌های فرعی به عنوان یک یکپارچه واحد که در این فرآیند، کارکردها و ساختارهای هر یک از نظام‌های فرعی مبتنی بر مفروضات و ارزش‌ها و باورهای نظام فرهنگی، بازبینی و بازسازی می‌شود.

مقام معظم رهبری مفهوم مهندسی فرهنگی کشور را بدین ترتیب روشن ساخته‌اند: «فرهنگ کشور کلاً به یک نظم، جهت‌گیری، جهت‌یابی و انسجام بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی درباب فرهنگ احتیاج دارد.» (همان: ۳۰)

ج) مدیریت فرهنگی

«مدیریت فرهنگی، مدیریت بر سیستم‌ها و سازمان‌های خرد و کلانی است که با رویکرد و اهداف فرهنگی مهندسی شده باشند و اداره آن سیستم و سازمان با رویکرد و اهداف فرهنگی صورت پذیرد. بدین ترتیب همه دستگاه‌ها، اعم از دستگاه‌های فرهنگی و غیرفرهنگی اگر دارای اهداف اصلی فرهنگی و یا کارکردهای فرهنگی قابل توجه باشند، باید مهندسی و مدیریت فرهنگی شوند.» (همان: ۶۰)

د) پیوست فرهنگی

«مدیریت فرهنگی کشور در دو سطح انجام می‌گیرد:

۱. سطح راهبردی (مدیریت راهبردی فرهنگی کشور)

۲. سطح اجرا (مدیریت فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی و غیرفرهنگی)». (ناظمی، ۱۳۸۴: ۶۰)

«مدیریت راهبردی مدیریت بازده است و مدیریت اجرایی، مدیریت فرآیند است.» (همان)

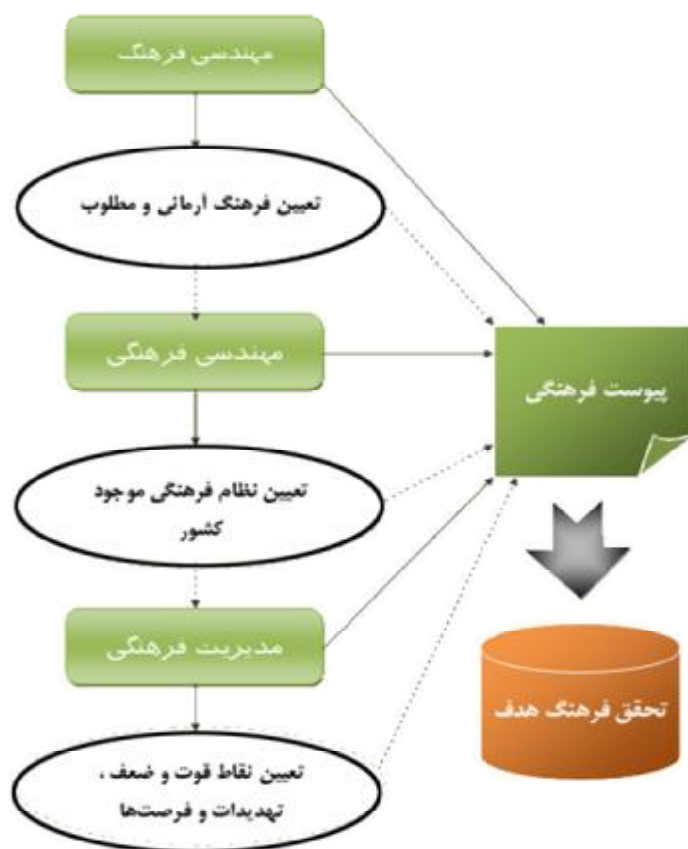
پیوست فرهنگی ابزار پیوند بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجراست. یعنی شاخصه‌ها، سیاست‌ها، روش‌ها، نرخ و سهم تأثیرهای کلان فرهنگی «کل» کشور و در سطح مدیریت راهبردی کشور تنظیم می‌شود، باید برای اعمال در مقیاس کوچکتر در سطح سازمان‌ها و

۸۱ ■ درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی

نهادهای اجتماعی آماده‌سازی مجدد شود.

آنچه که در قرارگاه‌های مدیریتی فرهنگ، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید تأمین شود این است که:

- سیاست‌های حاکم بر چگونگی حضور «نقشه»‌های فرهنگی کلان در «موضوعات خرد» و عینی را تنظیم کند.
- نحوه نظارت بر آن را نیز در چارچوب قوانین علمی و اجرایی مشخص کند.



شکل ۲. چگونگی تحقق فرهنگ هدف

۲. تعریف پیوست فرهنگی

- بنابر آنچه تاکنون آمده است می‌توان متغیرهای اولیه و موردنیاز برای تعریف پیوست فرهنگی را برشمرد:
- پیوست فرهنگی یک «ابزار» است که بدون حضور نقشه‌ها و سیاست‌های بالادستی کارآمدی چندانی ندارد.
 - کار آن ساماندهی نسبت بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجرایی کشور در حوزه فرهنگ است. بنابراین:
 - پیوست فرهنگی در محور اول شناخت «بعد» فرهنگی کلیه پدیده‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه اسلامی است.
 - سپس محلی برای تحلیل جایگاه فرهنگ در نسبت با سایر ابعاد (سیاست، اقتصاد و...) همان موضوع است.
 - این همه برای بررسی ارکان، مقومات و آثار فرهنگی یک موضوع است.
 - تا بتوان بررسی کرد که این موضوع چه تأثیری از فرهنگ می‌پذیرد و چه اثری بر آن می‌گذارد.
 - پیش‌بینی، هدایت و کنترل چگونگی جاری شدن فرهنگ در روح تک‌تک اجزاء جامعه مسئولیتی بر عهده مدیریت فرهنگی است که پیوست فرهنگی ابزار کارسازی برای این سطح از مدیریت محسوب می‌شود.

۳. گستره پیوست فرهنگی

گفته شد که پیوست فرهنگی شناخت نسبت و تناسبات بعد فرهنگی هر موضوع است، پس هر جا که بعد و بار فرهنگی باشد، ارائه پیوست فرهنگی برای آن موضوع متصور است. اما بر سر بار فرهنگی امور در میان اندیشمندان اختلاف است. در اینکه آیا علم، تکنولوژی، ارتباطات و... دارای بار فرهنگی هستند یا نه اختلاف است، اما تعدادی از این امور در کلام

مقام معظم رهبری و منشورات شورا قضاوت شده است:

- فناوری‌ها

«امروز وسایل ارتباطی بسیار پیشرفته‌ای که وجود دارند، مثل جریان‌های متعدد (ی) که به دریا می‌ریزند، دارند چیزهایی را به درون جامعه منتقل می‌کنند، کتاب می‌آید، روزنامه می‌آید، کالاها و ابزارهای صنعتی می‌آید و هر کدام حامل فرهنگی هستند. مصنوعات موجود دنیا هم، هر کدام با خود بخشی از فرهنگ را وارد کشور می‌کند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱)

«هر دانش، فناوری و محصولی که در یک جامعه تولید می‌شود محتوا و بار فرهنگی آن جامعه را نیز با خود داشته و منتقل می‌کند.» (ناظمی، ۱۳۸۴: ۵۲)

- تصمیمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...

«من فرهنگ را در سه عرصه به طور مهم و عام مشاهده می‌کنم. اول در عرصه تصمیم‌های کلان کشور است، یعنی فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیمات کلان کشور، حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و یا تصمیماتی که در تولید نقش دارند. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج یا تولید می‌کنیم و یا اشاعه می‌دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می‌کنیم، یا اشاعه می‌دهیم، یا اجرا می‌کنیم. اگر در سیاست خارجی مذاکره‌ای می‌کنیم و تصمیمی می‌گیریم، عیناً همین معنا وجود دارد. بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری حضور و جریان دارد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱)

«بنابراین، برای تحقق فرهنگ هدف باید کشور را مهندسی فرهنگی کرد. باید مصنوعات اعم از محصولات و خدمات فرهنگی و کالا و خدمات غیرفرهنگی را سازگار با فرهنگ هدف، مهندسی، تولید و مصرف کرد.» (ناظمی، ۱۳۸۴: ۵۲)

- علوم

«سیستم‌ها و سازمان‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها، علوم و فناوری‌ها، خدمات و مصنوعات همه دارای بار فرهنگی‌اند و ظرفی هستند برای انتقال فرهنگی که بر اساس آن مهندسی و تولید شده‌اند. ظرف باید متناسب با مظهر و طراحی و مهندسی شود.» (همان: ۵۳)

- محصولات تمدنی

«ارتباط فرهنگ و مهندسی کشورها، نظام‌ها، سازمان‌ها، علوم و فناوری و مصنوعات، نیز از همین دست است. کشور، نظام، سازمان، علم و فناوری و مصنوعی که مبتنی بر فرهنگ ماتریالیسم سکولار مهندسی شده است، نمی‌تواند بار فرهنگی الهی را منتقل کند. بلکه همان فرهنگ ماتریالیسم سکولار را بازتولید خواهد کرد.» (گولت، ۱۳۷۴)

بر اساس آنچه گفته شد و امروزه دارای طرفداران بسیار زیادی در میان کارشناسان و اندیشمندان متعدد نظام اسلامی است، حتی شاید بتوان ادعا کرد که هیچ شأنی از شئون اجتماعی یک سازمان و اجتماع وجود ندارد مگر آنکه دارای بار فرهنگی است و لذا اگر بگوییم که ارائه پیوست فرهنگی، به مثابه ابزار نظارت بر بعد فرهنگی موضوعات، هیچ حوزه‌ای را مستثنی نمی‌کند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم!

در همه جای دنیا و همین‌طور کشور ما مثال‌های زیادی از بود و نبود دقت‌های فرهنگی می‌توان مثال زد که سود و زیان‌های بسیار داشته‌اند و با همه پراکندگی‌ای که نسبت به یکدیگر در حوزه‌های گوناگون بشری دارند، با ارائه پیوست فرهنگی می‌توانستند شفاف شوند تا اگر سودی را در پی دارند دوچندان شود و اگر ضرری در پی هست، از آن جلوگیری شود و یا حداقل کنترل شده و خودآگاه باشد.

۴. نتایج حاصل از تدوین و اجرای پیوست فرهنگی

در قبال تأثیرگذاری محیط‌های زیست فرهنگی بیگانه بر فرهنگ خودی و تلاشی که

درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی ■ ۸۵

سازندگان محیط‌های زیست فرهنگی غربی و سکولار برای تغییر محیط‌های زیست فرهنگی دین‌محور دارند، لزوم صیانت و حفاظت از فضای فرهنگی جامعه اسلامی بیش از هر زمان دیگر ضروری می‌نماید. بدین ترتیب تدوین و اجرای پیوست فرهنگی می‌تواند نتایج و دستاوردهای فراوان و متنوعی را برای کشور اسلامی ایران به دنبال داشته باشد.

نتایج و دستاوردهای قابل پیش‌بینی حاصل از تدوین پیوست فرهنگی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- خروج از روزمرگی و برنامه‌های غیرمنسجم فرهنگی و تلاش در جهت ترسیم هدفمند حال و آینده فرهنگی کشور،

- جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی حاصل از به‌کارگیری علوم، فناوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی،

- بازگرداندن هویت واقعی فرهنگی به جامعه در چارچوب استانداردهای برخواسته از فرهنگ دینی،

- تغییر قوانین و مقررات ملی در راستای حضور هرچه بیشتر فرهنگ دینی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی،

- به حداقل رساندن تأثیرات مخرب مستقیم و غیرمستقیم اجرای طرح‌ها بر فرهنگ عمومی جامعه،

- هماهنگ کردن دو حوزه تقاضا و نیازمندی جامعه اسلامی با کیفیت، عرضه و پاسخگویی به نیازمندی‌های برخواسته از فرهنگ دینی،

- اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در داخل کشور،

- بومی‌سازی الگوهای کلان موجود کشور در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به صورت منطقی (و نه استقرایی ناقص یا موزاییکی) با تکیه بر آموزه‌های فرهنگ دینی،

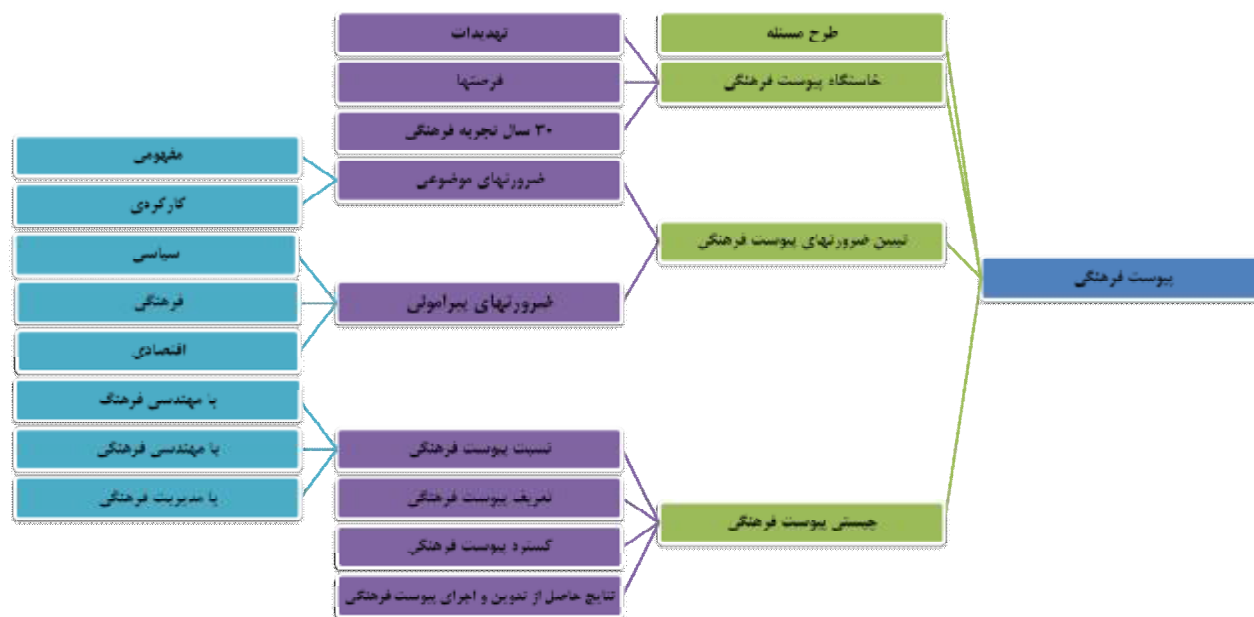
- حفظ و صیانت از استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور در عرصه ملی، منطقه‌ای

و جهانی،

۸۶ ■ نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم

- افزایش سهم حضور فرهنگ دینی در منظومه نیازمندی‌ها از طریق عارضه‌یابی، بازشناسی سازوکارها و تحقق نیازمندی‌ها،
- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ اسلامی ایرانی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی،
- ارتقای بخش فرهنگی، به منظور متوازن شدن بخش فرهنگ با دیگر بخش‌های سیاسی و اقتصادی، اصلاح، نوسازی و توسعه فرهنگ دینی در سطح جامعه،
- تعبیه ضمانت اجرایی برای تحقق مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی کشور در کوتاه و میان مدت.

تحلیل پیوست فرهنگی



شکل ۳. تحلیل پیوست فرهنگی

منابع و مأخذ

- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۶/۹/۱۷
- در محضر ولایت، مجموعه رهنمودهای امام(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۸۶/۹/۲۶
- دنیس گولت، (بهار ۱۳۷۴)، «توسعه، آفریننده و مخرب ارزشها»، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشریه برنامه و توسعه، دوره ۳، شماره ۱۰.
- دیوید فرد آر، (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک، ترجمه پارسسیان و اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کریمیان، حسن، (۱۳۸۲). کاربرد نشانهای اسلامی در بناها، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگی.
- مرعشی، سید جعفر، (۱۳۸۴). اصول و مبانی مدیریت تحول فرهنگی، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگی.
- ناظمی، مهدی، (۱۳۸۴). مهندسی فرهنگی کشور؛ تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.